کد خبر: ۴۵۵۲۶۱
چهارشنبه ۱۴ دی ۱۴۰۱ ۱۴:۵۴

آیا مردان مانند زنان دوستان زیادی دارند؟

پلیمتون می‌گوید، تغییر الگوهای استخدام نیز ممکن است در شکست دوستی‌های مردانه نقش داشته باشد. «برای بسیاری از مردان منبع اصلی دوستی کار است و امروز زندگی‌های کاری ما بسیار بی‌ثبات‌تر از گذشته است. اگر شغلتان را عوض کنید، آن را از دست بدهید یا بازنشسته شوید، حفظ دوستی‌هایی که در محیط‌های کاری به آن‌ها دست پیدا کردید، سخت خواهد شد.»

به گزارش سایت خبری پرسون،بهترین مثال برای مشاهده تفاوت رابطه دوستی مردان و زنان روز تولد است. اکثر مردان یا روز تولد دوستانشان را فراموش می‌کنند یا اصلاً اهمیتی برای آن قائل نیستند. جشن‌های تولد فقط وقتی رخ می‌دهند که توسط همسران و شرکای زندگی ترتیب داده شوند.

به‌ندرت مردان به هم کادوی تولد می‌دهند. اما زنان برای هم جشن‌های مفصل ترتیب می‌دهند و هدیه‌های جذاب و کادوپیچ به هم می‌دهند. این خونسردی مردانه پیامدهایی دارد؛ به‌طوریکه وقتی به سن میانسالی می‌رسند، دوستان بسیار اندکی دارند.

نتیجه یک پژوهش که در بریتانیا انجام شده است، نشان می‌دهد از هر ۵ مرد ۱ مرد هیچ دوست نزدیکی ندارد و حدود یک-سوم نیز هیچ فردی که بتوانند به او عنوان بهترین دوست خود را بدهند، ندارند.

مطالعه دیگری که در سال ۲۰۱۵ انجام شده است، نشان می‌دهد بی‌دوستیِ مردانه بین سنین ۲۰ تا میانسالی در مردان ۳برابر می‌شود. مطالعات همچنین نشان می‌دهند مردان متأهل در مقایسه با مردان مجرد دوستان کمتری برای وقت‌گذرانی در بیرون از خانه دارند.

ین پلیمتون، مدیر پروژه در بنیاد سلامت روانی، می‌گوید هیچ‌دوستی‌نداشتن در دوران میانسالی در نتیجه دو عامل رخ می‌دهد. او می‌گوید: «یکی از این عوامل زمان است. برای نگهداری دوستی‌های قدیمی و پیداکردن دوستان جدید باید وقت زیادی صرف کنید. مردان کمبود وقت دارند. ما تعهدات شغلی داریم و همینطور که سن‌مان بالا می‌رود، ممکن است تعهدات خانوادگی و احتمالاً تعهدات مراقبتی نیز پیدا کنیم. این‌موارد فرصتی را که ما برای حفظ دوستی‌هایمان نیاز داریم از بین می‌برند.»

دلیل دیگر، دلیل فرهنگی است. «مردان به‌نحوی اجتماعی می‌شوند که از کلیشهٔ آشنای مردِ قوی و ساکت پیروی کنند؛ ما در نشان‌دادن خودمان به‌عنوان افراد آسیب‌پذیر خوب نیستیم. اگرچه برای نگهداری دوستی‌ها نیازی نیست که آسیب‌پذیر باشید، آسیب‌پذیری می‌تواند به‌مثابه سیمانی عمل کند که دوستی را تقویت می‌کند.»

پلیمتون می‌گوید، تغییر الگوهای استخدام نیز ممکن است در شکست دوستی‌های مردانه نقش داشته باشد. «برای بسیاری از مردان منبع اصلی دوستی کار است و امروز زندگی‌های کاری ما بسیار بی‌ثبات‌تر از گذشته است. اگر شغلتان را عوض کنید، آن را از دست بدهید یا بازنشسته شوید، حفظ دوستی‌هایی که در محیط‌های کاری به آن‌ها دست پیدا کردید، سخت خواهد شد.»

در لایه‌های سطحی، اغلب مردان موافقت خود را درباره اینکه علاقمندی مشترک ورزشی یا اوقات فراغت یکسان داشتن، بسیار آسان است، اعلام خواهند کرد؛ به‌همین‌دلیل است که دوستی‌های مردانه بسیار ساده‌تر از دوستی‌های زنانه احساس می‌شوند. اما تحقیقات نشان می‌دهند که انتخاب ما [مردان] در دوستی‌هایمان نتیجه یک تکامل بسیار پیچیده است.

دکتر جفری گریف، استاد دانشگاه مریلند در رشته مددکاری اجتماعی، در کتابش با عنوان «سیستم رفاقت»: فهم نقشه‌های ظریفِ دوستیِ مردانه با استفاده از شواهدی که از ۴۰۰ مصاحبه به‌دست آمده است، رابطه دوستی مردانه را توضیح می‌دهد.

او می‌گوید: «زنان تمایل دارند روابط چهره‌به‌چهره داشته باشند؛ آن‌ها گاهی هم ازاین‌طریق به‌هم توصیه‌هایی می‌کنند. مردان تمایل دارند رابطه شانه‌به‌شانه با هم داشته باشند. این به این علت است که مردان و زنان در فرهنگ‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی اجتماعی شده‌اند. در تاریخ، مردان از قبیله محافظت می‌کردند و با هم به شکار می‌رفتند، درحالیکه زنان در روستا با هم مواجه می‌شدند یا دور آتش با هم غذا را تهیه می‌کردند.»

چرا پیداکردن دوستان صمیمی بعد از ۳۰سالگی دشوار است؟

دکتر گریف می‌گوید ریشه اصلی سخت‌بودن دوستی‌های صمیمانه بین مردان همین تفاوت‌هاست. «مردان طوری پرورش یافته‌اند که باهم رقابت کنند و توسط زنان تسلی خاطر پیدا کنند؛ علت آنست که مردان در جوانی توسط زنان پرورش پیدا می‌کردند؛ زیرا مردان از خانه دور بودند. وقتی با مردی در رقابت هستی یا به او اعتماد نداری، پس نمی‌توانی در کنار او آسیب‌پذیری خود را، که پیش‌نیاز ضروری برای بسیاری از دوستی‌های عمیق است، نشان دهی.»

دکتر گریف استدلال می‌کند، درحالیکه مردان با صحبت‌های طنزآمیز و شوخ‌طبعانهٔ گاه‌به‌گاه گلیم خودشان را از آب بیرون می‌کشند؛ بسیاری از آن‌ها

تشنه روابطی هستند که در آن توجه و مراقبت بیشتری وجود داشته باشد. برخی از مردان به دنبال روابطی معنادارتر با سایر مردان هستند؛ جاییکه بتوانند پوشش مردانگی خود را که می‌تواند آن‌ها را به اسارت درآورد، کنار بگذارند.»

برطبق دکتر گریف، مردان انتظار دارند دوستانشان از آن‌ها حمایت کنند و «پشتشان درآیند»، اما می‌ترسند به‌لحاظ عاطفی وابسته و نیازمند به‌نظر برسند. آن‌ها همچنین تمایل دارند به سمت مردانی جذب شوند که به‌نظرشان به همان اندازه مردانه هستند.»

«به دو بازنمایی تاریخی مردانه توجه کنید، یکی شوالیه‌هایی در زره‌های درخشان که زنان را شیفته خود می‌کنند و دیگری شاعرمسلکانی با زبان چرب‌ونرم که باید با کلماتشان زنان را به خود جلب کنند. هر دو مردانه هستند، اما به شکل‌هایی متفاوت. یکی با شوالیه‌های دیگر دمخور است و دیگری با شعرا می‌گردد.»

تمایل به تظاهرنکردن آسیب‌پذیری و عاطفی‌بودن در دوستی‌های مردانه برای آن دست از مردانی که در زندگی با مشکلاتی مانند طلاق مواجه می‌شوند، مسائلی به‌وجود می‌آورد: به‌طورمثال اینکه آن‌ها احساس می‌کنند کسی را برای پناه‌بردن به او ندارند.

بنابراین، با توجه به تمام چیزهایی که گفته شد، [ما]مردان نیاز داریم با احساساتمان و با یکدیگر ارتباط قوی‌تری برقرار کنیم.

منبع:فرارو